

ترس از مردن نویسنده: لو پریولو

مسیحیان از چه چیز فرایند مرگ و نتایج آن می‌ترسند؟ در این جا به شش ترس رایج می‌پردازیم و برای هر یک از آن‌ها به اختصار راه حلی را که کتاب مقدس ارائه می‌کند ذکر خواهیم کرد.

۱. ترس از مرگی دردناک (فرایند مرگ)

«بیش از آن که از مردن بترسم از مرحله‌ی آخر این مسیر وحشت دارم.»

خداوند وعده داده که هرگز ما را ترک یا رها نکند، و ما را در آزمایشی که با فیض او توان مقابله‌اش را نداشته باشیم روبرو نخواهد کرد، و فیض لازم برای تحمل آزمایش‌ها و وسوسه‌هایی را که وقوعشان را اجازه می‌دهد به ما عطا کند. اما این بدین معنی نیست که مرگ سخت یا دشوار نیست، ولی خداوند در اول قرتیان ۱۰: ۱۳ وعده می‌دهد که وسوسه‌های ما مسیحیان (و آزمایش‌های مرتبط با آن‌ها) هم از جهت وسعت و هم از جهت زمان محدود خواهند بود.

۲. ترس از به پایان رسیدن لذات دنیوی

«می‌ترسم بهشت ملال‌آور باشد. منظورم این است که مطمئناً نشستن بر ابرها و پرستش خدا لذت‌بخش است، ولی اگر فقط همین باشد به نظرم حوصله آدم سر می‌رود.»

از آن جا که به محض ورود به بهشت با آن مکان انطباق خواهیم داشت، حتی اگر تنها کارمان پرستش خدا باشد برایمان لذت‌بخش خواهد بود. اما کار ما بیش از این‌هاست. کتاب مقدس می‌گوید ما آواز خواهیم خواند، خواهیم خورد، کار خواهیم کرد، حکومت خواهیم کرد و یاد خواهیم گرفت. به علاوه، زمین جدید شبیه به زمین کنونی خواهد بود و بدن‌های جلال یافته‌ی جدیدمان به بدن‌های زمینی‌مان شباهت خواهد داشت. آیا آدم و حوا در باغ عدن از زندگی لذت می‌بردند؟ همان باغ عدن را تصور کنید ولی این بار چند برابر لذت‌بخش‌تر. هر آن چه برای شادی و لذت ضروری باشد در بهشت منتظر ماست.

۳. ترس از تا ابد زیستن

بعضی از مردم وقتی مدتی طولانی به بهشت فکر می‌کنند دچار احساس ترس از فضاهای بسته می‌شوند. «می‌دانم از بهترین رویاهایم هم بهتر است، ولی بخشی از وجودم نمی‌خواهد در نوعی فضای بسته‌ی ابدی محدود شود – تصور زندگی ابدی ترسناک است.»

درک کامل ابدیت برای ما انسان‌های محدود ناممکن است. شاید واقعاً این که نمی‌توانیم «بی‌پایانی» را درک کنیم ترسناک باشد. اما بهشت سرزمین شادی تصویرناپذیر است. در بهشت ترس از فضاهای بسته معنا ندارد زیرا چنین ترسی در آن جا نیست. بنا به چیزهایی که کتاب مقدس درباره‌ی بهشت می‌گوید، امکان ندارد خداوند بگذارد فرزندانش در آن جا حتی اندکی دچار ترس‌های خودمحورانه بشوند. در بهشت اصلاً چنین ترس‌هایی وجود ندارد زیرا وقتی عیسی ظاهر می‌گردد، ما نیز مانند او می‌شویم – عاری از گناه (اول یوحنا ۳: ۲).

۴. ترس از مواجه شدن با تمامی گناهان گذشته‌مان.

«می‌دانم که بخشیده شده‌ام و از گناهانم علیه من استفاده نخواهند شد، ولی راستش تصور این که می‌بایست بابت گناهانم توضیح بدهم باعث می‌شود شوق رسیدن به تمامی چیزهای خوبی که پس از داوری خداوند در انتظارمان هست در من کم شود.»

اگر این ترس انگیزه‌ای شود تا از گناه پرهیزیم می‌تواند دلیل خوبی باشد. «و هر کس که این امید را بر وی دارد، خود را پاک می‌سازد چنان که او پاک است.» (اول یوحنا ۳: ۳). از سوی دیگر، تصور این که در حضور خدای تثلیث بایستیم و نه تنها تک تک گناهانمان، بلکه افکار و انگیزه‌هایمان را نیز ملاحظه کنیم وحشتناک است. شاید بهترین راه برای از بین بردن (یا دست کم آرام کردن) این ترس آن باشد که فوراً از خدا تشکر کنیم که به عیسی ایمان داریم و مجبور نیستیم غصب ابدی او را بر دوش بکشیم و این که او تمامی اشک‌های ما را پاک خواهد کرد (حتی در طی داوری نهایی اطمینان داریم که به خاطر عیسی، محکوم نخواهیم شد).

۵. ترس از این که عزیزانمان پس از مرگ ما نتوانند موفق شوند

«خانواده‌ام از بسیاری جهات به شدت به من وابسته است. از نیازهای مادی گرفته تا راهنمایی و مشورت، حمایت عاطفی و برآورده شدن نیازهای روزانه.»

بهتر است از پیش به این موضوع فکر کنیم و تا آن جا که می‌توانیم شرایط را مهیا سازیم. باید به عزیزانمان یاد بدهیم برای نیازهای روحانی و روزمره‌ی خود نیز به عیسی توکل کنند – این کار بخشی از مسئولیت ما به عنوان یک مسیحی است. وقتی این کار را کردیم (و حتی اگر

نکردیم) برای کاهش اضطرابمان می‌توانیم عزیزانمان را به خدا بسپاریم و دعا کنیم تا او هر آن چه برای آن‌ها بهترین و باعث جلال خودش است انجام دهد.

۶. ترس از این که شایستگی پاداش نداشته باشیم

«سال‌هاست سخت تلاش کرده‌ام، برای همین تصور این که همه یا حتی بخشی از چیزهایی که برایشان کار کرده‌ام از دست برود ترسناک است.»

پولس درباره‌ی عدم شایستگی سخن گفته است (پس از موعظه کردن برای دیگران؛ اول قرتیان ۹: ۲۷). او به تیموتائوس می‌گوید که باید بدانند اگر بر اساس قواعد بازی نکند، ممکن است بابت تلاش‌های فراوانش پاداشی نگیرد (دوم تیموتائوس ۲: ۵). یوحنا می‌گوید برای پاداش کامل باید سخت تلاش کرد، و این یعنی بعضی ممکن است برخی از آن چیزهایی را که برایشان زحمت کشیده‌اند به دست نیاورند (دوم یوحنا ۸).

مطمئن نیستیم که خواهیم این ترس از بین برود. من تقریباً هر روز به این ترس می‌اندیشم. اما اگر فکر می‌کنید بدون آن که مرتکب اشتباهی شده باشید بیش از حد دغدغه این مسئله را دارید، احتمالاً نگرانی‌تان غیر ضروری است و باید یاد بگیرید به کمک کتاب مقدس این اضطراب را مدیریت کنید. حدس می‌زنم اگر یاد بگیرید نگرانی‌ها را به طور کلی مدیریت کنید، این نگرانی خاص نیز (به همراه تقریباً تمامی موارد فوق‌الذکر) کاهش خواهد یافت.

دکتر لو پریولو مدیر مشاوره‌ی کتاب مقدسی در کلیسای کرایست کاوننت در آتلانتا است. او چندین کتاب از جمله *The Complete Husband and Resolving Conflict* نوشته است.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.